خبر کوتاه

مربیان خوب، مربیان نخبه

آرمن ساروخانیان

برای جلد پنجشنبه ایران ورزشی تیتر «موج نو» را انتخاب کردیم، اشاره‌ای به اولین تقابل گل‌محمدی و مجیدی در شهرآورد. دو مربی از نسل جوان فوتبال ایران که امید می‌رود پرسپولیس و استقلال با آنها نمایش جذاب و مدرنی داشته باشند. شهرآورد ۹۲ بازی نسبتاً خوبی از آب در آمد. فوتبال استانداردی که در آن برنامه‌های دو مربی در روند بازی دو تیم آشکار بود. در نهایت هیچ‌کدام نتوانست مچ دیگری را بخواباند، هرچند یحیی بابت تساوی باید خوشحال‌تر باشد. او نه تنها در ثانیه‌های آخر از اولین شکست روی نیمکت پرسپولیس گریخت که فاصله‌اش با رقیب همشهری را حفظ کرد.

فرهاد مجیدی پس از اولین شهرآورد به عنوان سرمربی نمره قبولی گرفت. او هرچند با خستگی بازیکنانش بابت سه بازی فشرده و چهار مصدوم به شهرآورد قدم گذاشت، توانست به یک قدمی برد برسد. با این حال نمی‌تواند بابت آنچه در جریان بازی رخ داد، حسرت نخورد. این نمره قبولی در مقایسه با نمره درخشانی که او می‌توانست در کارنامه‌اش به عنوان یک مربی تازه‌کار ثبت کند، فاصله زیادی دارد.

اگر بخواهیم به نقش تصمیمات مربیان در نتیجه بازی بپردازیم، لحظه‌ای که او تصمیم به تعویض قائدی گرفت را باید نقطه عطف بازی دانست. قائدی ستاره پرفروغ شهرآورد ۹۲ بود و مجیدی باید بداند که قرار نیست در همه بازی‌های بزرگ چنین مزیتی در اختیار تیمش باشد. فرهاد هرچند خستگی را دلیل تعویض مهاجمش دانست، ولی بدون یک جانشین مناسب روی نیمکت می‌توانست او را برای ۲۰ دقیقه پایانی در زمین نگه دارد. راه حل دوم به زمین فرستادن زکریا مرادی به خط حمله بود. با اضافه شدن رضاوند و عقب نشستن ارسلان مطهری استقلال عملاً خط حمله‌ای نداشت و پرسپولیس فرصت پیدا کرد با تمام نفرات برای زدن گل تساوی در زمین حریف خیمه بزند.

این اولین بار نیست که یک مربی مجبور می‌شود در یک بازی بزرگ از بازیکنی گمنام و بی‌تجربه استفاده کند. چنین تصمیمات پرریسکی است که مربیان نخبه را از دیگران متمایز می‌کند. آخرین نمونه شاید بازی رفت شهرآورد باشد که کالدرون مهدی عبدی را به زمین فرستاد و این مهاجم جوان زننده تنها گل بازی بود.

نقشه فرهاد برای بردن بازی مؤثرتر از برنامه یحیی بود، ولی سرمربی پرسپولیس که تجربه بیشتری دارد به لطف کوچینگ و تعویض‌هایش توانست عقب‌ماندگی را جبران کند. او ضعیف‌ترین بازیکنان تیمش (انصاری و کامیابی‌نیا) را بیرون کشید و بازیکنانی به زمین فرستاد (نادری و رسن) که پرسپولیس را تهاجمی‌تر کردند. اضافه کردن استوکس با وجود دور بودن از شرایط مسابقه هم ریسکی بود که جواب داد و مهاجم ایرلندی در همان دقایق کوتاه توانست روی گل دوم پرسپولیس نقش پررنگی داشته باشد. گل‌محمدی در روزی که ستاره‌های پرسپولیس در اوج نبودند، با چند جابه‌جایی تیمش را از شکست در این بازی حیثیتی و البته سرنوشت‌ساز نجات داد.شهرآورد ۹۲ اما پایان دوئل از راه دور این دو مربی نیست. لیگ هنوز تمام نشده و با وجود برتری هشت امتیازی پرسپولیس (با یک بازی بیشتر) تکلیف قهرمانی هنوز مشخص نیست. استقلال و پرسپولیس در لیگ قهرمانان هم بازی‌های جذابی دارند و این دو مربی باید خودشان را در برابر حریفان پرستاره غرب آسیا تثبیت کنند.

اگر خدا بغلت کند ...

مهدی ملکی

سوت آغاز دربی نود و دو پایتخت درحالی به صدا درآمد که سکوهای خالی در هر دو سمت قرمز و آبی، حسابی توی ذوق می‌زد. طبق روال از زنان هوادار فوتبال خبری نبود. پس از اوج گرفتن مطالبه زنان در چند سال گذشته که با گشایش‌هایی هم همراه شد، این انتظار و امیدواری وجود داشت که اوضاع بهتر شود و با توجه به بیانیه‌ها و تاکید فیفا، تابلو ورود ممنوع برای زنان در بازی‌های لیگ هم از مقابل استادیوم‌ها برداشته شود. اما نه‌تنها اوضاع بهتر نشده، بلکه حالا ورود مردان هم محدود شده است! اگر از اینکه حدود پانزده هزار بلیت کمتر از ظرفیت ورزشگاه فروخته شد بگذریم، آنهایی که قصد خرید بلیت داشتند به سختی موفق به انجام این مهم شدند و البته تعدادی هم نتوانستند بلیت تهیه کنند. بحران بلیت‌فروشی ادامه دارد و یکسری از هواداران قید حضور در ورزشگاه را می‌زنند. دربی‌ای که چهار گل داشته و چند فرصت گلزنی هم توسط بازیکنان دو تیم هدر رفته، قطعا بازی کسل‌کننده‌ای نبوده است. با توجه به شرایط دو تیم در جدول، شاگردان فرهاد مجیدی اشتیاق بیشتری برای پیروزی داشتند. روند بازی هم موید این موضوع است؛ استقلال دو بار پیش افتاد اما هر دو بار برتری‌اش را از دست داد. نکته مهم اینکه شاگردان یحیی گل‌محمدی اصلا پا پس نکشیدند و تا دقیقه آخر برای جبران تلاش کردند. برای همین هیجان تا زمان به صدا درآمدن سوت داور، ادامه داشت. شاید بتوان مهدی قائدی را کلید بازی دانست؛ چه زمانی که در زمین حضور داشت و چه زمانی که تعویض شد. ردپای قائدی در عملکرد فنی استقلال و نتیجه‌ای که رقم خورد، ملموس است و وقتی تعویض شد این فرصت در اختیار بازیکنان پرسپولیس قرار گرفت تا با خیال آسوده‌تری در حالت تهاجمی قرار بگیرند. در مقابل تعویض‌های یحیی بجا و درست بود؛ در واقع به سود سرخ‌ها تمام شد، نه منفعت تیم حریف. در پایان اینکه گاهی سرنوشت با یک اتفاق به کلی تغییر می‌کند؛ اگر خدا بغلت کند. خدا ارسلان مطهری را در آغوش گرفت. شیخ دیاباته مصدوم شد و دربی را از دست داد تا ارسلان جایگزین او در خط حمله استقلال شود. مطهری دبل کرد، آن‌هم در اولین تجربه دربی!

دربی ایرانی برنده نداشت

سعید سرفرازیان

دربی نود و یکم سرخابی ها با یک تساوی نسبتاً پرگل به پایان رسید. پس از چند سال که مربیان خارجی در دو سوی میدان و یا در یکی از تیم‌ها حضور داشتند این بار روی نیمکت دو تیم دو مربی ایرانی و البته از نسل مربیان جوان حضور داشتند. گل‌محمدی از پرسپولیس و فرهاد مجیدی از استقلال در اولین رویارویی خود در کسوت سرمربی موفق نشدند مچ هم دیگر را بخوابانند تا با کسب یک برد شیرین جایگاه خود را روی نیمکت داغ تیم‌های خود مستحکم‌تر کنند.

هرچند آبی‌ها فاصله‌ی چندانی با برد نداشتند ولی گل دقایق پایانی بازی که بشار رسن عراقی به ثمر رساند شادی استقلالی‌ها را به حسرتی بزرگ تبدیل کرد. تنها پنج دقیقه مانده بود تا فرهاد مجیدی اولین برد را در کسوت سرمربیگری استقلال برابر رقیب دیرینه کسب کند که عدم تمرکز کافی و اشتباه خط دفاعی تیم در جاگیری مناسب این برد را با یک تساوی تلخ عوض کرد. خوش‌حالی سرخ‌پوشان از کسب نتیجه‌ی تساوی نشان داد که نتیجه گیری در این بازی متفاوت با تمام بازی‌های دیگر است. فارغ از هرگونه تعصب و جهت گیری های رنگی باید گفت که پرسپولیسی‌ها چه در زمین و چه روی نیمکت از بازیکنان باتجربه‌تری برخوردار بودند و دست یحیی گل‌محمدی برای تعویض و تغییر تاکتیک‌های بازی بازتر بود. غیبت بازیکنان کلیدی در استقلال حسابی به استقلال ضربه زد، خستگی بازیکنان استقلال باعث شد تا تمرکز کافی برای مدیریت بازی وجود نداشته باشد و وقتی فرهاد به نیمکت ذخیره‌ها نگاه می‌کرد مهره‌ای تاثیرگذار وجود نداشت به میدان فراخوانده شود، تنها تعویضی که فرهاد در جریان بازی شهرآورد انجام داد جایگزینی رضاوند به جای مهدی قائدی بود که آن هم جواب نداد.

بیرون رفتن قائدی برای پرسپولیس یک موهبت بزرگ بود چون خیال خط دفاعی از فراری‌های باشوی کوچک راحت شد. یحیی گل‌محمدی هم با چند تعویض موفق شد روند بازی را به سود پرسپولیس تغییر دهد، بازیکنان تعویضی قرمزها هم توانستند روی گل تساوی نقش آفرینی کنند. به هرحال تجربه‌ی فرهاد مجیدی نسبت به یحیی گل‌محمدی کم‌تر است و این نکته هم در جریان بازی دو تیم مشخص شد، اما مطمئناً فرهاد از بازی دربی درس های خوبی گرفت تا در ادامه‌ی راه مربیگری از آن استفاده کند.

یقیناً بازی دربی برای مربیان تیم‌های استقلال و پرسپولیس به اندازه‌ی حضور در چندین کلاس تئوری مربیگری آموزه بر آموختن دارد. فوتبال ایران هنوز هم به تأسی از فوتبال سال‌های گذشته عمل می‌کند و زمان برد تیم‌ها ناخودآگاه به عقب برمی گردند. تا آن زمان که این نقایص از فوتبال ایران رخت بر بندد شاید زمان زیادی طول بکشد و مربیان جوان به مرور با تاکتیک‌های نو و جدید به فوتبال ایران رنگ و بوی حرفه‌ای‌تری بدهند. شهرآورد نود و یکم هم در بحث های غیر فنی هم مثل همیشه دارای نواقصی بود از بلیط فروشی عجیب و غریب تا نوع رفتار و برخورد مأموران امنیتی ورزشگاه با بازیکنان غایب استقلال همه و همه نشان داد هنوز در مباحث سخت افزاری هم به یک نقطه‌ی امن و مطمئن نرسیده‌ایم.

قلعه نویی چگونه سرمربی تیم ملی نشد

سرمربی سپاهان در نهایت ترجیح داد به همکاری‌اش با این باشگاه ادامه دهد و امیدوار به دستیابی سه عنوانی باشد که تیمش در آن مدعی است. او در گفتگو با رادیو ورزش به اتفاقات چند روز اخیر حول مذاکره با فدراسیون و مسائل دیگری پاسخ داد.

امیر قلعه‌نویی سرمربی تیم سپاهان در گفت‌وگو با رادیو در خصوص اینکه چرا وی به عنوان سرمربی تیم ملی انتخاب نشد اظهار داشت: ابتدا به دوست و همکار خوبم اسکوچیچ تبریک می‌گویم انشاالله که بتواند با درایت و مدیریت خود فوتبال ایران را به جایگاه اصلی‌اش بازگرداند. وظیفه همه ماست که هر کس مربی تیم ملی می‌شود از آن حمایت کند همین کار را در قبال آقای کی‌روش هم انجام دادیم.

وی ادامه داد: من یادم می‌آید اوایل کار کی‌روش بود ما به لبنان باختیم اولین باخت تاریخ فوتبال ایران هم بود اما من از جمله آدم‌هایی بودم که وی را حمایت کردم الان برخی دوستان اعتراض دارند برخی از مدیران نشسته‌اند و درست یا غلط اسکوچیچ را انتخاب کردند حالا باید همه کمک کنیم که تیم ملی بیشتر از این آسیب نبیند. با توجه به مشکلاتی که جامعه ایران را فرا گرفته که بیشتر آن اقتصادی است جامعه ما نیاز دارد که فوتبال نتیجه بگیرد بعضی از همکاران من به ا نتخاب وی اعتراض کرده‌اند که بهتر است بیشتر راهکار بدهند.

وی ادامه داد: از وزارت ورزش، فدراسیون فوتبال و اعضای کمیته فنی که ما را جزء کاندیدا قرار دادند تشکر می‌کنم باید بگویم که چند وقتی بود که با من تماس می‌گرفتند و حتی توافقات نهایی هم صورت گرفته بود و حتی شرط‌های من هم پذیرفته شده بود من فقط یک چیز گفتم گزینه اول من تا سوم سپاهان است اگر مردم اصفهان و مدیران سپاهان راضی شدند بنده می‌آیم و این وظیفه را انجام می‌دهم. همه کارها هم انجام شده بود حتی یک جلسه هم گذاشتیم که آقای علی‌نژاد، بهاروند، آقای نیک‌فرد، لطفی، تابش هم از باشگاه سپاهان حضور داشتند. هر چی فکر کردم در این چند روز فشارهای روحی روانی زیادی به من وارد شد بخصوص در صفحات مجازی قسمت این شد که در سپاهان بمانم در تیم ملی چه مربی چه بازیکن آرزو دارد بهترین عملکرد را داشته باشد.

قلعه‌نویی درباره اینکه ظاهرا فدراسیون فوتبال تمایل داشت شما همزمان هم در تیم ملی و هم در سپاهان کار کنید تصریح کرد: اصلا این گونه نبود چون این بحث حرفه‌ای نیست من هم چنین پیشنهادی نداده بودم اما کار تمام شده بود و به دوستان گفتم ۲۴ ساعت به من وقت بدهید در این زمان هر چه قدر با خودم کلنجار رفتم دیدم نمی‌توانم بعد از ۱۳ سال باز قسمت این بود که من در این شرایط به فوتبال ایران کمک کنم شاید لیاقت نداشتم ولی یقینا اسکوچیچ لیاقت چنین انتخابی را دارد و باز هم از همکاران می‌خواهم که کمک کنند.

وی درباره اینکه آیا قرار بود قرارداد وی با تیم ملی تا پایان جام جهانی قطر باشد ادامه داد: من گفته بودم تا بعد از جام ملت‌ها آن موقع هم که من به تیم ملی آمدم آقای کیومرث هاشمی و سایر دوستان به من کم‌لطفی کردند به آنها گفتم برای یک مربی تیم ملی از این جام جهانی تا جام جهانی بعدی باید وقت بدهید اما مشکلاتی به وجود آمد که منجر به جدایی ما شد آنها گفتند کمک کن گفتم فوتبال کمک کردن نیست برنامه دادن است. فکر می‌کنم سر من معامله انجام دادند حتی این مساله را آقای آخوندی در یک افطاری به من اعلام کرد که اینجا جایش نیست باز کنم. باید به یک مربی در تیم ملی چهار سال وقت بدهند.

سرمربی سپاهان درباره اینکه منظورش از معامله چیست اذعان داشت: یک روزی در یک افطاری آقای آخوندی به من گفت که علی‌آبادی فرموده‌اند هر جا قلعه‌نویی را دیدید یک حلالیت از او بطلبید گفتم داستان چیست گفتند آقای صفایی فراهانی که اگر می‌خواهید من اساسنامه را تایید کنم باید قلعه‌نویی را کنار بگذارید دلخوری صفایی هم از من این بود که در یک برنامه ورزشی من یک سری حقایق را در مورد مصطفوی گفته بودم که این آقا ناراحت شده بود. به هر حال با رفتن ما این اساسنامه تایید شد.

وی درباره اینکه قبول دارد اسکوچیچ در شرایط سخت تیم ملی را قبول کرده است افزود: تیم ملی باید برنامه خاص خودش را داشته باشد هیچ برنامه فیفادی هم نداریم در عید هم دو بازی برگزار کنیم یک بخش ستادی داریم یک بخش عمومی و یک بخش داخل زمین که همه باید باهم تلاش کنند که تیم ملی نتیجه بگیرد. باید حب و بغض‌ها را هم کنار بگذاریم اسکوچیچ باید احساس امنیت کند حملاتی که به اسکوچیچ شده هم حرفه‌ای نیست این نظر من است.

اگر دوستان هم نقطه نظری دارند به این مربی انتقال بدهند. خدا را شکر گروه نوشتاری و مطبوعات هم به غیر زمان من با تیم ملی همراه هستند.

وی ادامه داد: یادم می‌آید بعد از تیم ملی وقتی به استقلال برگشتم یک آقایی یک مستند در مورد استقلال درست می‌کرد ایشان یک روز برای من تعریف کرد که زمان حضور من در تیم ملی در رادیو فعالیت می‌کرده که یک دستورالعمل آمده که تا می‌توانید به قلعه‌نویی حمله کنید اما خوشبختانه در این چند وقت بخصوص از زمان آقای کی‌روش به بعد همه بسیج شدند که به تیم ملی کمک کنند. تیم ملی ما نیاز دارد که از این مرحله عبور کرده و به جام جهانی صعود کند.

قلعه‌نویی در خصوص دربی گفت: ما همزمان با این بازی تیم‌مان بازی داشت اما دربی که چهار گل داشته باشد یقینا خوب است من کیفیت فنی بازی را ندیدم اگر هم بازی را دیده بودم اظهارنظر نمی‌کردم باید بگویم فوتبال یک مقوله پیچیده‌ای است که می‌تواند خیلی از مشکلات جامعه را حل کند. اما متاسفانه در برخی از مواقع فوتبال را فرصت نمی‌دانند همین بازی استقلال و پرسپولیس یک هفته قبل و یک هفته بعد به آن می‌پردازند از بازی ۵۰ هزار نفر بازدید کردند اگر شما آن را ضرب در ۶ بکنید می‌شود ۳۰۰ هزار ساعت که می‌توان گفت ما با این عدد به جامعه سرویس داده‌ایم. از مسئولین می‌خواهم علاوه بر مشکلات اقتصادی فوتبال را با یک نگاه دیگر ببینند.

مهمانی غیرقانونی "دودی‌ها" در آزادی!

۳۱ تیرماه سال ۱۳۹۶ بود که طبق مصوبه هیات رئیسه سازمان لیگ فوتبال ایران در فصل ۹۷-۹۶، ورود و استعمال دخانیات در تمامی ورزشگاه‌های کشور ممنوع شد، تا بدین ترتیب سیگار جزو اقلام ممنوعه به شمار آید و تماشاگران حق نداشته باشند با سیگار وارد ورزشگاه شوند، تصمیمی که شاید در همان هفته‌های اول با سخت‌گیری نیروی انتظامی به منظور جلوگیری و برخورد با ورود یا خرید و فروش دخانیات در محل ورزشگاه‌ها و به ویژه ورزشگاه آزادی همراه بود و به مرور زمان باز هم اوضاع به روال قبل بازگشت.

فروش سیگار به قیمت نجومی

همان هفته‌های ابتدایی پس از ممنوعیت ورود و استعمال دخانیات در تمامی ورزشگاه‌های کشور بود که با توجه به سخت‌گیری‌های صورت گرفته از سوی نیروی انتظامی قیمت سیگار در ورزشگاه آزادی به بالاترین حد ممکن رسیده بود و بازار فروشندگان حاضر در ورزشگاه به عنوان افرادی که امکان خرید سیگار از آن‌ها امکان‌پذیر بود حسابی داغ شده بود. هرچند تماشاگرانی هم بودن که از بازرسی‌های صورت گرفته قسر در می‌رفتند و می‌توانستند با خود به درون ورزشگاه سیگار وارد کنند. مسئله‌ای که صرفا تا چند هفته پس از این تصمیم بسیار مناسب و مهم در جهت سالم‌سازی ورزشگاه‌ها از سوی سازمان لیگ ادامه داشت و پس از آن به دست فراموشی سپرده شد!

ضعف نظارت در ورزشگاه‌ها

هرچند در حین ورود به ورزشگاه‌ها امکان بازرسی بدنی از سوی ماموران نیروی انتظامی وجود داشت و به طور خاص زمانی که قصد ورود به ورزشگاه آزادی را داشتید دو مرتبه بازرسی بدنی می‌شدید اما به هیچ‌وجه نظارتی روی سکوها وجود نداشت و با تماشاگران متخلفی که به دستورالعمل ممنوعیت مصرف دخانیات در ورزشگاه‌ها توجه نمی‌کردند، برخوردی صورت نمی‌گرفت، همان زمان نیز هوادارانی بودند که به راحتی روی سکوها سیگار و یا سایر مواد دخانی استعمال و فروشندگان درون ورزشگاه با روش‌های مختلف و به دور از چشم ماموران نیروی انتظامی اقدام به فروش سیگار با قیمتی فراتر از قیمت درج شده روی پاکت می‌کردند.

به پلیس ابلاغ نشده است؟

۱۲ آبان‌ماه سال جاری بود که سرهنگ محمد بخشنده- رئیس پلیس مبارزه با موادمخدر تهران بزرگ درباره اینکه سازمان لیگ فوتبال درباره ممنوعیت مصرف دخانیات در ورزشگاه‌ها مصوبه‌ای داشته است و علت اجرایی نشدن این مصوبه چیست، اظهار کرد که این قانون مصوب و به پلیس ابلاغ نشده و اجرا نمی‌شود، در صورتیکه استعمال دخانیات در ورزشگاه‌های کشورهای اروپایی ممنوع است.

وی با تاکید بر اینکه به عنوان پلیس قطعا خواستار ممنوعیت مصرف دخانیات در ورزشگاه‌ها هستیم، عنوان کرد که به تبعات این موضوع و مخالفت‌های احتمالی با آن فکر نمی‌کنیم و می‌خواهیم محیط جامعه ورزش ما پاکسازی و سالم‌سازی شود چراکه هیچ خانواده ایرانی دوست ندارد شاهد مصرف دخانیات در محیط ورزشگاه‌ها باشد زیرا جوانان ما در این محیط حضور پیدا می‌کنند. علاوه بر این فضای ورزشگاه با این شرایط (مصرف سیگار) زیاد برای حضور جوانان مناسب نیست و اگر ممنوعیتی اعلام شود، قطعا اجازه ورود سیگار را به داخل ورزشگاه نخواهیم داد.

رئیس پلیس مبارزه با موادمخدر تهران بزرگ همچنین با بیان اینکه باید وزارت ورزش و جوانان و نیز فدراسیون فوتبال در این زمینه (ممنوعیت مصرف دخانیات در ورزشگاه‌ها) تصمیم بگیرند، یادآور شد که باید این موضوع در ارگانی مانند شورای تأمین، وزارت ورزش و ریاست جمهوری مصوب و ابلاغ شود تا پلیس با هماهنگی مقام قضایی آن را عملیاتی کند، چراکه نمی‌توانیم شخصا درباره این موضوع اقدام کنیم.

در این خصوص اما سوالی قابل طرح اینکه اگر این قانون به پلیس ابلاغ نشده است پس به چه علت ماموران نیروی انتظامی مستقر در ورزشگاه آزادی در مقطع زمانی که سازمان لیگ از ممنوعیت مصرف دخانیات خبر داده بود به صورت جدی با افرادی که قصد وارد کردن سیگار به ورزشگاه آزادی داشتن برخورد می‌کرد؟ آیا در این خصوص اقدام نیروی انتظامی بر مبنای توفقات صورت گرفته بود و مصوبه و ابلاغی در همان زمان نیز وجود نداشت؟

سیگار، گل، حشیش یا...

کاش ماجرا به همین سیگار ختم می‌شد، اما زمانی که یک زخم ساده را درمان نکنید به طور حتم باید منتظر تبعات بعدی آن هم باشید. وقتی ممنوعیتی برای استعمال سیگار در ورزشگاه‌های ایران وجود ندارد به طور حتم نمی‌توان گل یا حشیش را با توجه به شباهت نوع مصرف این دسته از مواد دخانی با یکدیگر تمیز کرد و در همین رابطه بارها و بارها گزارش‌های متفاوتی در مورد مصرف مواد مخدر در ورزشگاه‌های کشور منتشر شده است که متاسفانه با گذشت بیش از دو سال از مصوبه سازمان لیگ برتر فوتبال ایران اما هیچ اتفاق مثبتی در این خصوص صورت نگرفته است و برنامه‌ای نیز برای آینده تعریف نشده است و همه چیز در همان نقطه اول قرار دارد.

چقدر از دنیا عقب هستیم؟

مصرف دخانیات در ورزشگاه‌های ایران تنها نمونه‌ای از عقب افتادی فوتبال کشور نسبت به فوتبال روز دنیا است که با استفاده از تجهیزات مدرن و سیستم‌های نظارتی قوی نه تنها میزان درگیری و تنش روی سکوها را به حداقل رسانده‌اند بلکه امکان ورود و مصرف سیگار یا هر ماده مخدری به هیچ وجه از سوی تماشاچیان امکان پذیر نیست و با توجه به تجهیز ورزشگاه به دوربین‌های پیشرفته با افراد متخلف که امکان شناسی آن‌ها به راحتی فراهم است برخورد می‌شود. امروزه ورزشگاه‌های های فوتبال در کشورهای توسعه یافته نه تنها برای مردان، بلکه برای زنان و کودکان محیطی ایمن است که می‌توانند ساعاتی را با آسودگی به تماشای این رشته ورزشی چه در رده باشگاهی و چه در رده ملی بنشینند، مسئله‌ای که متاسفانه در کشور ما موجودیت ندارد و شاهد حضور کودکانی در ورزشگاه‌ها هستیم که مجبورند فوتبال را با بوی نامطبوع سیگار یا هر ماده مخدری دیگری تماشا کنند.

به طور حتم ورود جدی مسئولان در سطح وزارت ورزش و جوانان، فدراسیون فوتبال، سازمان لیگ، نیروی انتظامی و هر دستگاه متولی دیگری نسبت به پاکسازی محیط ورزشگاه‌های فوتبال ایران از دخانیات و مواد مخدر مقوله‌ای اجتناب ناپذیر است که باید هرچه سریع‌تر در دستور کار قرار گیرد و با تعریف وظایف و طی روند قانونی، هر مجموعه به نوبه خود با این پدیده بغرنج در ورزش کشور مقابله کند.

پرسپولیسِ باشخصیت، استقلال دوست‌داشتنی

فرهاد اشراقی

شهرآورد برای هر دو طرف صحنه‌های غرورانگیزی داشت. صرف‌نظر از چند صحنه زشت، پرسپولیسی‌ها می‌توانند به این ببالند که ۲ بار بازی باخته را مساوی کردند و نیمه دوم بازی خوبی هم انجام دادند و برای چندمین شهرآورد پیاپی (۴ یا ۵ شهرآورد) نباختند. استقلالی‌ها هم می‌توانند بگویند بعد از چند بازی به پرسپولیس ۲ گل زدیم و با اینکه تیمی خسته‌تر و کم‌مهره‌تر داشتیم (با نیمکت تقریباً خالی)، اما ۸۹ دقیقه از پرسپولیس جلو بودیم و در نهایت هم نباختیم. شهرآورد پنج‌شنبه در مجموع خوب از آب درآمد و حداقل نسبت به دو، سه شهرآورد قبلی بهتر بود، اما با هر مدل نگاهی و با طرفداری از هر رنگی بازی را دیده باشیم نمی‌توانیم از بازی خوب چند نفر غافل شویم. در پرسپولیس وحید امیری بهتر از بقیه بود هر چند که «تیم» گل‌محمدی در نیمه دوم نشان داد که بی‌دلیل صدرنشین نیست. در استقلال هم ارسلان مطهری و مهدی قائدی فوق‌العاده بودند و بقیه هم بد کار نکردند، اما در مجموع اگر مهره‌های استقلال تجربه پرسپولیسی‌ها را داشتند و ۵، ۶ دقیقه آخر بازی را مدیریت می‌کردند، آبی‌ها برنده می‌شدند. ضمن اینکه استوکس در همان چند دقیقه نشان داد که با وجود ناآمادگی بدنی یک مهاجم سطح بالاست، همان طور که بشار می‌تواند در دقایق حساس و بازی‌های خاص به درد پرسپولیس بخورد. بشاری که حتی بعد از فوت مادرش پرسپولیس را تنها نگذاشت.

***

پرسپولیس و استقلال امسال هر دو تیم‌های دوست‌داشتنی هستند. پرسپولیس یحیی زیباتر از پرسپولیس کالدرون بازی می‌کند و استقلالِ مجیدی هم مثل استقلال ِ استراماچونی تیمی شاداب و هجومی است، ولی به هر حال هر دو تیم در آسیا کار سختی دارند. قائدی در دقایقی از بازی ضعف دفاعی پرسپولیس را به گل‌محمدی نشان داد و استقلال هم باید حتماً فکری به حال تعداد زیاد مصدومانش و اینکه دقایق آخر گل می‌خورد، بکند. امسال استقلال در ۵ بازی دقایق آخر گلِ خورده و ۱۰، ۱۲ امتیاز را به همین دلیل از دست داده که طبعاً کادر فنی باید این ایراد را برطرف کنند.

اخبار

آیا اسکوچیچ در حد نیمکت تیم ملی هست؟

سپهر ستاری

سرانجام پس از مدت‌ها بلاتکلیفی سرمربی جدید تیم ملی برای ادامه حضور در رقابت‌های انتخابی جام جهانی معرفی شد و در شرایطی که همگان منتظر انتخاب یک سرمربی ایرانی بودند، اسکوچیچ که تا همین هفته قبل سرمربی تیم صنعت نفت آبادان بود باید تیم ملی کشورمان را در مسیر رسیدن به جام جهانی قطر هدایت کند. انتخاب اسکوچیچ در شرایطی رخ داده که این سرمربی کروات با وجود داشتن سابقه خوب در فوتبال باشگاهی کشورمان، تاکنون در تیم‌های چندان بزرگی حضور نداشته و در واقع تیم ملی ایران بزرگترین تجربه کاری این سرمربی کروات به شمار می‌رود و مقایسه رزومه اسکوچیچ با سرمربیان سابق تیم ملی او را در جایگاه پایین‌تری نسبت به آن‌ها قرار می‌دهد.

اسکوچیچ پیش از ورود به فوتبال ایران در تیم‌هایی چون ریه‌کا کرواسی، اینترنبلوک اسلوونی، العربی کویت و النصر عربستان سابقه سرمربیگری داشت و توانسته بود جام‌های حذفی کرواسی و اسلوونی را فتح کند. ورود اسکوچیچ به فوتبال ایران با تیم ملوان بندرانزلی شکل گرفت و اسکوچیچ در زمان حضورش در انزلی نتایج خوبی کسب کرد و توانست با این تیم به مقام هفتم لیگ سیزدهم برسد که بهترین عنوان ملوانان در لیگ برتر به شمار می‌رود. عملکرد خوب در انزلی زمینه‌ساز ادامه فعالیت اسکوچیچ در فوتبال ایران شد و او پس از ملوان راهی تیم فولاد خوزستان شد ولی نتوانست در اهواز مانند انزلی موفق عمل کند و در دو فصلی که سرمربی فولاد بود به مقام‌های پنجم و دوازدهم رسید و از این تیم جدا شد. اسکوچیچ پس از فولاد حدود دو سال بدون تیم بود تا این‌که هدایت تیم خونه به خوه بابل را بر عهده گرفت و نتایج خوبی که به همراه تیم بابلی کسب کرد بار دیگر نام خودش را بر سر زبان‌ها انداخت. دراگان با خونه به خونه به فینال جام حذفی رسید و در لیگ آزادگان تنها به خاطر تفاضل گل نتوانست تیمش را لیگ برتری کند. با این حال حضور اسکوچیچ به دلیل مشکلات عجیب تیم خونه به خونه در بابل چندان طولانی نشد و او فصل گذشته بدون تیم ماند تا اینکه امسال با پیشنهاد صنعت نفت آبادان مواجه شد و دوباره به جنوب کشور بازگشت. اسکوچیچ در لیگ نوزدهم به همراه نفت عملکرد فوق‌العاده‌ای داشت و توانست این تیم محبوب را به رده چهارم جدول برساند و همین عملکرد درخشان مدیران فدراسیون را مجاب کرد که او را به عنوان سرمربی جدید تیم ملی انتخاب کنند.

اسکوچیچ در شرایطی با این رزومه سرمربی تیم ملی شده است که سرمربیان سابق تیم ملی همگی کارنامه بهتری نسبت به او داشتند. کارلوس کی‌روش که هشت سال سرمربی تیم ملی بود و در این مدت عملکرد بسیار خوبی داشت پیش از تیم ملی ایران سابقه سرمربیگری در تیمی چون رئال مادرید و تیم ملی پرتغال در کارنامه‌اش دیده می‌شد و مدتی هم دستیار سرالکس فرگوسن، سرمربی بزرگ تیم منچستر بود. علاوه بر این او سرمربی تیم‌های ملی عربستان، امارات، آفریقای جنوبی و تیم‌های باشگاهی اسپورتینگ و ناگویا گرامپوس ژاپن را هم داشت و با چنین سابقه‌ای وارد فوتبال ایران شد. ویلموتس هم که پس از کی‌روش دوران کوتاهی را در فوتبال ایران تجربه کرد، در تیم‌های ملی بلژیک و ساحل عاج سرمربیگری کرده بود و مانند کی‌روش سابقه حضور در جام جهانی را داشت و در رده ملی کار کرده بود.

در چنین شرایطی وقتی کارنامه دراگان اسکوچیچ و تیم‌هایی که در آن حضور داشته را با مربیان خارجی اسبق تیم ملی مقایسه می‌کنیم، کاملا واضح است که سرمربی جدید ایران در سطح پایین‌تری نسبت به آن‌ها قرار دارد و علاوه بر این تاکنون در تیم‌های ملی تجربه کاری ندارد که با توجه به فرصت کم باقی‌مانده و حساسیت شرایط تیم ملی، یک علامت سوال در انتخاب اسکوچیچ به شمار می‌رود.

در مقابل اما فدراسیون فوتبال کشورمان از نظر مالی در شرایط مناسبی نیست و از آن‌جایی که فدراسیون در جذب گزینه‌های داخلی تیم ملی ناموفق بود و فدراسیون هم برای عقد قرارداد با مربی جدید محدودیت مالی دارد، اسکوچیچ به نوعی تنها گزینه موجود به شمار می‌رفت و فدراسیون با توجه به قیمت مناسب و آشنایی او با فوتبال ایران به سراغ سرمربی سابق صنعت نفت آبادان رفت و باید دید او می‌تواند با تیم ملی به جام جهانی برسد یا اتفاقات دیگری رخ خواهد داد.

آقای تاج چه خبر از مربی نجیبت‌تان؟

مهدی تاج هر چند این روزها استعفا داده و از فدراسیون فوتبال رفته ولی همچنان پیگیر اتفاقات و تصمیمات فوتبال است. اعضای هیات رئیسه رابطه بسیار نزدیکی با او دارند و طبیعی است با توجه به تجربه‌اش به ویژه در انتخاب ویلموتس، از او مشورت بگیرند. هفته گذشته بود که خبر رسید این مربی بلژیکی شکایتی ۶ میلیون یورویی از ایران به فیفا برده و خواهان گرفتن تمام پول قرارداد خود و دستیارانش است. بماند که این خبر ثابت کرد تمام اخبار رسانه‌ها درباره قرارداد ۸ میلیون یورویی ویلموتس و کادرش برای سه سال با ایران واقعیت داشته است. اما شکایت این مربی بیش از هر چیز همه را یاد جمله معروف مهدی تاج درباره ویلموتس انداخت. او امسال در مصاحبه ای گفت: «آقای ویلموتس قراردادی با ما دارد و ما هم گاهی از نجابت ایشان خجالت می‌کشیم. اگر گزینه های دیگری بودند تا پول نمی‌گرفتند شاید کار نمی‌کردند اما ویلموتس می‌گوید من می‌دانم شما مشکلات دارید و تلاش می‌کنید.» بعد از شکایت ۶ میلیون یورویی ویلموتس و دستیارانش باید از مهدی تاج پرسید؛ رئیس چه خبر از مربی نجیب؟